

محلله

صلاحیت‌های حرفه‌ای یک مشاور

آغاز سال تحصیلی ۹۳-۹۲ را به تمامی همکاران مشاور تبریک عرض کرده، از خداوند بزرگ برای تمامی آحاد جامعه بزرگ فرهنگی کشور، سالی سرشار از شادابی، تحرک، پویایی، سلامت جسم و جان و اخلاق، کمال علمی، اجتماعی و اخلاقی در سایه ایمان به خداوند بزرگ و پیروی از راه اولیاء الهی، آرزومندم. نشریه رشد مشاور مدرسه، ضمن آرزوی توفیق برای تمامی همکاران فرهنگی، بر خود فرض می‌داند که نکاتی چند را درباره اعتلای جایگاه مشاوره در مدارس به همکاران محترم یادآور شود.

مشاوره اگرچه در نگاه اول یک جایگاه شغلی به‌شمار می‌آید اما در درون خود جایگاهی انسانی بلکه الهی است. این جایگاه در صورتی که در مسیر پویایی خود قرار بگیرد و راه شایسته خود را به خوبی طی کند، به تدریج از جایگاه شغلی خود جدا و به یک شأن انسانی تبدیل می‌شود. مشاوره‌ای که به حقیقت در مسیر رشد درونی و متعالی خود حرکت می‌کند، به جایی می‌رسد که احساس الهی و انسانی و ارستگی و آزادگی را می‌یابد. این حس او را از وابستگی‌های اجتماعی و سازمانی جدا کرده، به او استقلال از هر تعلقی، به غیر از تعلق به خداوند، را هدیه می‌کند.

مشاور برای رسیدن به این سطح از تعالی انسانی باید علاوه بر افزایش دانش تخصصی برخی از مهم‌ترین صلاحیت‌های مشاوره‌ای خود را نیز رشد دهد و آن‌ها را با تمامی ساختار شخصیتش، متحد سازد. تمامی مشاوران با نقش «رازداری» در مشاوره آشنایی دارند. رازداری نه تنها یک صلاحیت پایه برای کار مشاوره، بلکه یک موهبت الهی برای اوست. اگر مشاوره بتواند ادعا کند که تاکنون هیچ‌کس از طریق او از رازهای مراجعانش اطلاع پیدا نکرده است، از موهبتی الهی سخن می‌گوید نه یک مهارت و صلاحیت خاص؛ زیرا رازداری در چنین سطحی دیگر تلاش و کوششی برای حفظ اسرار دیگران نیست بلکه یک توفیق الهی است. مشاور برای رسیدن به چنین سطحی از صلاحیت، باید از خداوند کمک بگیرد و از او بخواهد که در مسیر حفظ اسرار مراجعان یاری‌اش کند. او باید در این مسیر، دست خدا را پیوسته همراه خویش ببیند.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است

راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدش

«وحدت‌یافتگی شخصیت مشاور»، در مواجهه با مشکلات مراجعان، نکته محوری دیگری است که مشاور به میزان تحقق آن در درون خویش، می‌تواند به شأن حقیقی خود نزدیک و نزدیک‌تر شود. مشاوره‌ای که هنگام رديابایی مسائل و مشکلات مراجع، در ذهن خویش به‌دنبال آنچه پیش از این آموخته است می‌گردد و برای درک او در میان انبوه آموخته‌های خود جست‌وجو می‌کند تا شاید بتواند سرنخی بیابد، هنوز به سطح وحدت‌یافتگی خود در کار مشاوره نرسیده است. هرچند باید تأکید کنم رسیدن به این سطح از توانایی و تخصص، کار ساده‌ای نیست و مشاوران جوان یا کسانی که در مسیر رشد خود تنها به اندوختن دانسته‌های اکتسابی اکتفا

یافتگی

دکتر علی اصغر احمدی

کرده‌اند، نمی‌توانند به سادگی به سطح وحدت‌یافتگی شخصیت خویش در کار مشاوره و روان‌درمانی رسیده باشند. «وحدت‌یافتگی شخصیت مشاور» از ترکیب منحصر به فرد دانش روان‌شناختی و مشاوره‌ای از یک سو، حیات زیسته شخص مشاور، یعنی زندگی طبیعی و عادی خود او، فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و سازمان شخصیتی مراجع از سوی دیگر ساخته می‌شود. مشاور و روان‌شناس به مرور زمان در درک مراجع خود به کل یا گشتالتی می‌رسد که تنها نزد او حاضر است. این مشاور می‌تواند مشکل درمان‌جو و مراجع خود را توضیح دهد اما نمی‌تواند به راحتی نحوه رسیدن به تشخیص خود را بیان کند. تشخیص او محصول و میوه وحدت‌یافتگی شخصیت وی است. مراجع چنین تشخیصی را که از چنین بستری بیرون می‌آید، با رضایت می‌پذیرد. مراجع نسبت به روان‌شناس و مشاوره که مشکل او را تنها براساس دانش اکتسابی خود توضیح می‌دهد، احساس بی‌اعتمادی می‌کند. بسیاری از مراجعان وقتی با نگاه محدود مشاور مواجه می‌شوند، به سرعت اعتماد خود را نسبت به او از دست می‌دهند و به ادامه مشاوره تمایلی نشان نمی‌دهند. یکی از مشکلات مشاوران، محدودنگری در کار مشاوره و روان‌درمانگری است. مراجع باید احساس کند که با یک موجود زنده متفکر دارای قدرت درک عواطف انسانی و آشنا با فرایند زندگی در جامعه خود مواجه است.

مراجع و درمان‌جو باید در آیینۀ وجود درمانگر و مشاور، خود را ببیند نه موجودی بیگانه را. چنین صلاحیتی در وجود مشاور محصول آن وحدت‌یافتگی‌ای است که از آن سخن گفتیم. این وحدت‌یافتگی به شدت تحت تأثیر درک موقعیت و جایگاه روان‌شناختی مراجع است. مراجع باید احساس کند که در جریان مشاوره و تشخیص، توسط مشاور و درمانگر در حال کشف شدن است.

مشاور و درمانگر هم باید جریان تشخیص را تا جایی ادامه دهد که خود را به‌عنوان جزئی از مراجع احساس کند. او باید آن قدر بکوشد که بتواند به جهان از منظر مراجع نگاه کند. داشتن دیدگاه خود برای مشاور مانع بزرگی در درک مراجع است. در چنین موقعیتی خوب گوش کردن، تنها داشتن تمرکز روی سخنان مراجع نیست بلکه از خودمیان‌بینی خارج شدن و درک همه‌جانبه دیدگاه مراجع را شامل می‌شود. در این مسیر شاید لازم باشد بارها دیدگاه خود را با دیدگاه مراجع تطابق دهیم و میزان صحت این تطابق را از او جویا شویم. با این کار به تدریج می‌توانیم به نگاه مراجع نسبت به جهان نزدیک شویم. در عین حال، کسب چنین صلاحیت‌هایی می‌تواند به ما در نزد مراجعان، از جمله دانش‌آموزان و خانواده آنان، جایگاهی رفیع ببخشد.

در ماه مهر، دو مناسبت هفته بهداشت روان (هفته اول آبان‌ماه) و هفته پیوند (بیست و چهارم تا سی‌ام مهر)، فرصت خوبی است که جایگاه مشاوره و روان‌شناسی را به خانواده‌ها و دانش‌آموزان بشناسانیم. فرصت خوبی است که مخاطبان ما به اهمیت مشاوره در زندگی انسان واقف شوند و در عمل، پیوندی ناگسستنی بین آنان و مشاوره و روان‌درمانی برقرار گردد.